

# گذرگاه معنا

پژوهشی درباره‌ی الگوهای فرهنگی

نویسنده | سعید بنکراد

www.ketab.ir

سرشناسه	: بنکراد، سعید
عنوان قرآردادی	: مسالک‌المنی دراسات فی‌الاساق‌النقافیه فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: گذرگاه معنا: پژوهشی درباره الگوهای فرهنگی / سعید بنکراد؛ مترجمین: معصومه شبستری، حجت‌الله بهمنی‌مطلق، سعید بهمن‌آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد تهران، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۴ ص.
شابک	: 978-600-133-788-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: پژوهشی درباره الگوهای فرهنگی.
موضوع	: مدیریت فرهنگی Cultural animation
شناسه افزوده	: شبستری، معصومه، ۱۳۴۱ - مترجم
شناسه افزوده	: بهمنی‌مطلق، حجت‌الله، ۱۳۵۰ - مترجم
شناسه افزوده	: بهمن‌آبادی، سعید، ۱۳۷۰ -
شناسه افزوده	: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد تهران
رده بندی کنگره	: HM ۶۲۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۴۱۶۶
اطلاعات رگورد کتابخانه‌سی	: فیبا



سازمان  
انتشارات

نام کتاب:	گذرگاه معنا پژوهشی درباره الگوهای فرهنگی
مولف:	سعید بنکراد
مترجمین:	معصومه شبستری - حجت‌الله بهمنی‌مطلق - سعید بهمن‌آبادی
ناشر:	انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران
طراح جلد:	سعید صحابی
چاپ و صحافی:	زاویه‌نور
نوبت چاپ:	اول - زمستان ۱۴۰۳
شمارگان:	۱۰۰ نسخه
قیمت:	۱۷۰۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۷۸۸-۸
ISBN:	978-600-133-788-8
نشانی:	تهران - صندوق پستی ۱۸۶-۱۳۱۴۵
تلفن:	۶۶۹۵۴۳۶۸ تلفکس: ۶۶۴۶۴۹۴۱
مرکز پخش خانه کتاب دانشگاه:	۶۱۱۱۲۸۵۰ - ۶۶۹۷۳۴۲۳ فروشگاه اینترنتی: 16book.ir

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف یا ناشر تکثیر و کپی برداری کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

## مقدمه ناشر

ایران امروز، در اشتیاق توسعه و استقلال گام‌های محکم و استواری برمی‌دارد. همه روزه، در گوشه و کنار میهن ما جوانه‌های خودکفایی علمی و فنی نمایان می‌شوند و با عنایت و یاری خداوند متعال در سایه تلاش و کوشش جامعه علمی و دانشگاهی حرکت به سوی مرزهای دانش شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. خدا را شکر می‌گوییم که این فرصت را به ما ارزانی کرد تا گام‌هایی هم‌چند کوچک در راه رشد و نشر دستاوردهای علمی و فرهنگی کشور برداریم باشد تا با یاری خداوند منان و در پرتو همت اندیشمندان، نویسندگان، مترجمان و متخصصان مؤمن و متعهد بتوانیم در اعتلای علمی کشور عزیزمان ایران سهمی داشته باشیم.

انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران در راستای وظایف خویش و به منظور رسیدن به اهداف علمی- فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام به انتشار آثار ارزشمند و لازم علمی و دانشگاهی می‌کند. در این راه از کلیه استادان، پژوهشگران، صاحبان قلم و اندیشه دعوت به مشارکت و همکاری می‌شود.

## فهرست مطالب

۱۵.....	بخش اول: پدیده‌ای به نام «عمرو خالد».....
۲۷.....	بخش دوم: لبخند؛ بوسه روح.....
۳۳.....	بخش سوم: روایت و مشروعیت.....
۴۹.....	بخش چهارم: جنگ خلیج.....
۶۵.....	بخش پنجم: در باب قدرت، دموکراسی و تعادلی معنا.....
۸۱.....	بخش ششم: تنوع فرهنگی مایه تنوع معنایی.....
۹۳.....	بخش هفتم: هویت دیداری و نمادپردازی سیاسی.....
۱۱۷.....	بخش هشتم: فریب نمی‌دهم... بلکه فریب خواهم داد.....
۱۲۵.....	بخش نهم: فوتبال؛ «استراتژی جنگی» و «تخیلات جنسی».....
۱۳۹.....	بخش دهم: نمایشنامه «الکوطا».....
۱۴۵.....	بخش یازدهم: تصویر و بیان گرافیکی.....
۱۵۵.....	بخش دوازدهم: لذت نمادین و کاریست احساس.....
۱۶۳.....	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۶۷.....	فهرست اعلام.....

## مقدمه

باید معنای درون زبان، اشیاء و فرآیندها را چون ساختاری در نظر داشت که از حالت‌های دریافت مستقیم گریزان است زیرا در سایه، ناخودآگاه و کانون کنش‌هایی قرار گرفته است که از هرگونه نظارت و کنترلی به دور است. تنها انسان از میان دیگر موجودات زنده، قادر است که وجود خود را با بیان نمادین و استعاری و در همه حالت‌های گفتار کنایی اداره کند و این گریز پیوسته، تعیین‌کننده میزان دلالت‌ها، عمق و دامنه‌های صریح و ضمنی آن در رفتار انسان است (خواه سودمند باشد یا بازیگوشی). گاهی ممکن است این دلالت‌ها در جزئیات از نایی‌های استعاری و انتزاعی ناپدید شوند و گاهی نیز ممکن است حالت‌هایی از تشخیص به خود بگیرد که به یک فعل مستقیم ارجاع دهد و حقیقت کلان وجود انسانی را به اشتباه در ذهن متبادر سازد، اما در همه حالت‌های یادشده، حافظه تنها به این روایت‌ها پناه می‌برد و به دنبال آن، زمان‌هایی را بازمی‌گرداند که برای همیشه از دست رفته است. بنابراین، در هر جزء و اسناد گفتاری، ارجاعاتی محو می‌شوند که با صورت آشکار آن ارتباطی وجود ندارد؛ مگر آنچه - ممکن است - میراث عاطفی آن را بروز دهد؛ میراثی که از سوی عقل و اندیشه از خاطر زدوده شده یا به فراموشی سپرده شده است.

به عبارت دیگر معنا یک ساختار آماده یا داده عینی نیست که حواس انسان بدون واسطه آن را درک کند یا کمیت ثابتی نیست که براساس تأکید، اثبات یا نفی و مخالفت یا ارجاع رفتار به این یا آن ارزش طبقه‌بندی شود، بلکه فرآیندی است که در ماهیت و تحقق، نیازمند مجموعه‌ای از شرایط است. نشانه‌شناسی جزم‌گرای و خشک اندیشی که با الگوهای آماده و تقلید زبانی و تهی از مضمون تلاش می‌کرد که به عنوان قواعد ضمنی سامان‌دهنده، رفتار مستقیم و کنترل‌کننده راه‌های ارجاع تاریخی و پیشینه ناخودآگاه و

عمق اسطوره‌ای آن را به نحوی یکسان تعیین کند.

این موضوع، دروازه اصلی دگرگونی از آشنایی مستقیم با مجموعه ارجاعات گنگی است که در برابر حواس انسان قرار می‌گیرد. تلاش برای دستیابی به هویت‌های نشانه‌شناختی است که اشیاء و حوادث و موجودات به وسیله آن به جهان انسانی نفوذ می‌کنند زیرا این جهان براساس قدرت اشیاء و موجودات تشکیل دهنده آن نسبت به ایجاد معنا و دلالت مشخص می‌شود و فراتر از این جهان، محدود به مجموعه‌ای از ساختارهای گنگ و بی‌نام‌ونشان است که خارج از دایره زمانی انسان در حرکت هستند.

ما به واسطه موضوعاتی چون «بدیهه»، «عادی»، «رایج» در پی هویت متفاوتی با آنچه هستیم که «خوب» درباره خویش می‌گوید. هویتی که با مسائل بیان شده در وابستگی‌ها و عقاید راسخی متناوب است که تنها در آیین‌ها و مناسبت‌ها آن را به یاد می‌آوریم؛ آیین‌هایی که از ترس آینده یا از روی تأسف ادا می‌کنیم، نسبت به روزگاری که سپری شده است. ما در پی بازگرداندن ظاهر به ماهیت و کشف موارد نهان شده در پشت ویرین و ظواهر پدیده‌ها هستیم. معنا، در طلبانه خود را تسلیم نمی‌کند، بلکه برای سرپوش نهادن بر آنچه ممکن است که رفتار ه نفع‌گرا، موجب دلالت و معنای نمادین شود، راه بداهه را در پیش می‌گیرد.

براساس عناصر اولیه یادشده، می‌توان پژوهش‌ها را این کتاب را مطالعه کرد. انگیزه ما به هنگام بررسی این متون که بیانگر جزئیات زندگی در فضای فرهنگ عربی است؛ دستیابی به دلالت و معنای کلان و نهایی نبود. علاقه‌ای نیز به شناخت حقیقت مربوط به این واقعیت‌ها نداشتیم. این موضوع با تصورات و ایده‌های ما در تضاد است. درباره شرایط یادشده می‌توان گفت که در بردارنده معنا و مفهوم آماده و محدود به یک افق واحد در خوانش نیست، بلکه به عنوان یک «کل» از واقعیت‌های متعدد به شمار می‌آید و مجموعه بافت‌هایی است که می‌توان برخی از آن را با تکیه بر فرضیه‌های خوانش برگزید و بخشی از آن را نیز تا اطلاع ثانوی و موقعیت خوانش دیگر، دور نگاه داشت. از این رو، هر فرضیه در واقع تلاشی برای نمایان کردن حالت نشانه‌شناختی به وسیله ساخت هدف جدیدی است که به واسطه ساماندهی مستقیم موقعیت‌ها پدید نیامده باشد.

این شرایط موجب دور شدن رویکرد ما در بررسی الگوهای فرهنگی از اهداف

ساختارگرایی اولیه‌ای شد که معتقد به امکان تحلیل متون بدون توجه به بافت تاریخی بود. این نظریه علاقمند دستیابی به یک معنای نهایی بود که به واسطه تحلیل‌گر کارآزموده و توانمند نسبت به درک رازهای نهفته متن به دست می‌آید، اما ما را از سقوط در اوهام تحلیل‌هایی نجات داد که گمان می‌کرد که قادر به دستیابی به معنای آماده باشد؛ معنایی که بتوان با اندکی هوش آن را از ترکیبات متون - و توجه به آن به عنوان پیام نهایی متن - جدا کرد. بی‌شک نزدیک شدن به واقعیت به انگیزه ایجاد راه‌های جدید، همان تولید شناختی است که این واقعیت‌های غنی را ساخته است و بخش‌هایی از مسئولیت‌های آن را آشکار می‌سازد و بدین صورت، قسمت‌هایی از هیجان‌های ما را آشکار می‌سازد که در گفتار استعاری ناپدید می‌شوند.

ما در این مقدمه به دنبال شرح مباحث کتاب یا بازتفسیر آن یا در پی ارائه کلیدهای نظری ارائه‌دهنده خوانش‌های معهود نیستیم زیرا نه تنها امری بی‌فایده است، بلکه ممکن است از شأن و جایگاه خواننده‌ای بکاهد که تنها به شناخت مضمون تحلیل اکتفاء می‌کند زیرا علاقمند است که خودش او را به کشف اصول نظری مشاهده‌نشده‌ی به واسطه فرآیندهای تحلیل سوق دهد.

به نظر می‌رسد که وارد مرحله جدیدی شده‌ایم که ویژگی دگرذیسی شناختی به ماهیت دیگری داریم؛ دگرگونی‌هایی که براساس آن، اصل خوانش و تحلیل و صورت‌های تأمل در خود و دیگری را دست‌خوش تغییر خواهد کرد. متن باید به ما برای شناخت عمیق نظریه‌ها یاری دهند و این همان راه غنابخشی و توسعه و پرورش آن درون بافت فرهنگی است که در زبان عربی متبلور شده است و متون فردگرا درون زبان طبقه‌بندی شده و آشکارکننده رفتار، مسیر ما برای دستیابی به آن است زیرا محدوده زندگی آگاهانه را رسم می‌کند و حتی پوشش استعاری جزئیات زندگی واقع‌گرا را به تصویر می‌کشد. در این پوشش، بخشی از اندیشه‌هایی محو و ناپدید می‌شوند که رفتار مستقیم آن را بروز نمی‌دهد، بلکه به وسیله ناخودآگاه به تصویر کشیده می‌شود.